خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۲۰ دی ۱۳۹۵
۱۰ ربیع الثانی ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۷۴

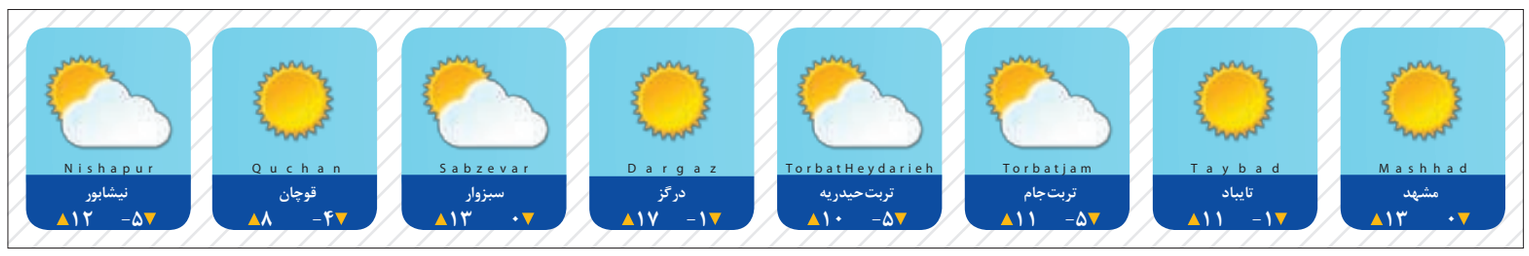

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

زیاد کار نیک انجام دادن، عمر را می افزاید و نام را پُرآوازه می سازد.
تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۳۸۶، ح ۸۸۳۰

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
اگر پُرسی حجت نداریم
و اگر بسنجی بضاعت نداریم
و اگر بسوزی طاقت نداریم
ما ییم همه مفلسان بی مایه
و همه از طاعت بی پیرایه
و همه محتاج و بی سرمایه...

خراسان به روایت خراسان

۲۰ دی ماه ۱۳۳۶

خودکشی یک دیوانه

۵۹ سال پیش در چنین روزی، «خراسان» نوشت: نیشابور؛ خبرنگار خراسان - به قرار اطلاع، باقر ۶۱ ساله که دارای اختلال حواس بود، نیمه شب از منزل خود خارج و به باغ ابراهیم نام، فرزند علی رفته و اقدام به خودکشی نموده است. صبح روز بعد، فرزندانش، جسد او را در حالی که حلقه طناب در گردن او پیچیده و به درخت آویزان بوده، مشاهده کرده و او را دفن نمودند و مراتب از طریق ژاندارمری به دادسرای نیشابور اعلام و موضوع تحت تعقیب است و بازپرس برای ادامه تحقیقات به محل عزیمت کرده است.

***انشعاب آب واگذار می شود**

مشهد؛ آگهی وارده- شهرداری مشهد تعدادی انشعاب از لوله کشی چاه‌های عمیق که انجام شده است را در طرفین لوله کشی به شرح زیر، واگذار می کند: میدان ورزش، ۲۰ انشعاب، باغ ملی، ۵۰ انشعاب، میدان دقیقی، ۵۰ انشعاب، حمام باغ، ۵۰ انشعاب، عشرت آباد، ۱۰۰ انشعاب، میدان سعدی، ۲۰ انشعاب، قبرستان خودرو، ۱۰۰ انشعاب، باغ شرکت فلاحت، ۵۰ انشعاب و حوض خرابه، ۵۰ انشعاب. با تصویب انجمن شهر، پروانه انشعاب به متقاضیان داده خواهد شد. کسانی که مایل به لوله کشی به داخل منازل خود هستند، باید اطلاع لازم در مورد خط سیر لوله کشی و سایر جهات امر را قبلا از دایره آبیاری شهرداری تحصیل نموده و تقاضای خود را تا آخر دی ماه به شهرداری تسلیم کنند. **شهرداری مشهد**

***دو دانشجوی پزشکی طبیب شدند**

مشهد؛ خبرنگار خراسان - جلسه رسیدگی به پایان نامه آقای دکتر محمدعلی برادران که راجع به هموپتیزی (خون آمدن ریه) نوشته شده بود، در تاریخ ۱۹ دی ماه، به ریاست آقای دکتر شهیدی و عضویت آقایان دکتر قهرمان و دکتر توحیدی تشکیل شد و پس از بررسی با درجه بسیار خوب، تصویب گردید. همچنین، جلسه رسیدگی به پایان نامه دکتر بمانعلی حاجی زاده به ریاست آقای دکتر سالاری و عضویت آقایان دکتر مجیب و دکتر مستقیمی تشکیل و با درجه بسیار خوب تصویب شد.

توضیح یک خبر: دکتر محمدعلی برادران، یکی از پزشکان حاذق مشهد بود. او سال‌ها در منطقه طلاب و چهارراه سیلو، مطب داشت و هنوز هم قدیمی‌های این منطقه، نام او را در خاطر دارند و خدمت او به مردم محروم این منطقه را از یاد نمی برند. دکتر برادران در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، پس از سکته قلبی، بدرود حیات گفت.

نمای تاریخی

تصویری تاریخی از آرامگاه قدیمی منسوب به حکیم ابوالقاسم فردوسی

نمایی قدیمی از فلکه حضرتی مربوط به سال ۱۳۱۲

پلخمون باز

طنز

۱. اول صبح‌ها آدمای تو خیابون یَگ طوری نیگا مُکنَن
انگار مو از خواب بیدارشان کردُم!
۲. طرف نیم ساعت مِره بیرون ۴۰ بار خانواده‌ش بهش زنگ مِزَنَن که کجایی؟
اونوقت مو با دوستام مُرُم شمال با بام بعد سه روز زنگ مِزنه مگه:
پسرُم تا نونوایی نبسته دوتا نون از تورات بیگیر بیار
۳. با این شانس، مواگه تو خانواده گیتس هم به دنیا می‌اومدُم بیل نمِشُدُم یا اره بودُم یا کلنگ

قصه های ناتمام

صالحی

گفت‌وگو با «حمید عربلین»، مردی که شناسنامه هنر عکاسی این شهر است؛

بگو «ســـــــیب»!

۱۰۰ سال خاطره را بر در و دیوار عکاسخانه کوچکش نشانده است. توی آن عکس‌های سیاه و سفید یا رنگی، لبخندهای زیادی ثبت شده‌اند، لابد بعد آنکه عکاس گفته؛ «بگو ســـیب». عکاسی او جای دنجی است برای تماشای تاریخ مصور مشهد. به ویژه اگر چاشنی اش روایت شیرین استادی باشد که ۵ دهه خاطرات مردمان این شهر را ثبت و ضبط کرده است. «حمید عربلین» یکی از قدیمی‌ترین عکاسان شهرمان است که هنر عکاسی را موروثی و از خاندانی هنرمند دریافت کرده است. او در و دیوار مغازه‌اش را نشانمان می‌دهد و تصاویر قدیم و جدید نصب شده بر روی آن را محصول هنر عکاسی پنج نسل از خانواده خود عنوان می‌کند. برای تورق آلبوم خاطرات این مرد، دمی با او به گفتگو می‌نشینیم.

روایت یک شرط برای آموزش عکاسی

عربلین حکایت ورودش به این عرصه را این گونه آغاز می کند: پدربزرگم نقاش صحن و سرای حرم مطهر رضوی بود و پدرم نیز علاقه‌مند به هنر عکاسی. این یعنی ریشه‌های این هنر در خانواده ما خیلی عمیق است. وی ادامه می‌دهد: پدرم برای آموختن عکاسی سراغ استاد محمدی می‌رود که عکاس حرفه‌ای در عبدالعظیم تهران بود و از او درخواست می کند تا زیر و بم این هنر را به وی بیاموزد. محمدی هم به شرط اینکه پدربزرگم پرده‌ای از حرم و بارگاه حضرت رضا(ع) برایش نقاشی کند، این آرزو را اجابت می کند. پدرم پس از طی دوره‌ای یک‌ماهه نزدوی، از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۵۳ به صورت حرفه‌ای در سبک عکاسی فوری مشغول به کار بود. این قرابت پدر با هنر عکاسی باعث می‌شود تا حمید عربلین نیز با عشق به عکس و دوربین قد بکشد.

عشق خانوادگی؛ میراث نسل‌ها

این استاد، فراگیری عکاسی را مرهون عشق پدرانش به این هنر عنوان می کند. او از کلاس ششم دبستان به دلیل سنگینی کار پدر، همزمان با تحصیل، عصای دستش می‌شود. این عکاس با سابقه مشهدی در این باره می گوید: از سال ۱۳۳۶، با داشتن کمتر از ۱۲ سال سن، به صورت حرفه‌ای پیش پدرم مشغول به کار شدم. چند صباح بعد، یعنی اوایل دهه ۴۰ عکاسی برقی آمد و من هم آن را آموختم. در ضمن، گاهی عکاسی آماتور را در کنار عکاسی فوری انجام می‌دادم. وی با ورق زدن هر برگ تاریخی از عمرش، شمار بسیاری از عکس‌های ریز و درشت را از آرشیو چندده ساله بیرون آورده و خاطره‌بازی می کند. حتی برای روشن‌تر شدن نحوه کار دوربین‌های عکاسی و سختی‌های آن، آلات و ادوات عکاسی گرد گرفته را از کنج انبار بیرون کشیده و نشانمان می‌دهد. عربلین در ادامه می افزاید: از سال ۵۲ سبک غیر فوری و از سال ۶۷ به بعد هم دوربین سه‌پایه فانوسی به بازار عکس و عکاسی وارد می‌شود که فیلم‌های آن‌ها تخت بودند. از سال ۷۶ تا ۸۰، عکس‌های سیاه و سفید و رنگی غیر فوری می گرفتم و پس از آغاز دوره عکاسی دیجیتال به مدت ۱۵ سال است که به عکاسی در موضوعات مختلف از قبیل ورزشی، خانوادگی، اجتماعی و خصوصاً زیارت مشغول هستم. این عکاس باشی قدیمی خاطرنشان می کند: عکاسی از طبیعت به روش غیر فوری را بیش از سایر گونه‌ها دوست دارم. البته از سال ۱۳۶۹ فیلمبرداری و عکاسی را به طور توأمان انجام می‌دهم. این چهره هنری در برهه‌ای نیز عهده‌دار مدیریت بخش سمعی و بصری بیمارستان امام رضا(ع) بوده است.

ثبت یک انقلاب روی نگاتیو

در اثنای گفتگوی ما، آقای عربلین بارها به سراغ آلبوم‌های ریز و درشت خود می‌رود تا جلوه‌ای از هنر خود را پیش چشممان بنشاند. او که یکی از عکاسان نامدار انقلاب مشهد نیز هست، بیان می کند: با پر رنگ‌تر شدن حوادث ایام انقلاب، عکاسی از این اتفاق تاریخی به دغدغه من بدل شد. صدها فریم عکس از زنان و مردان انقلابی که در تظاهرات آن دوران در خیابان‌های اصلی پیرامون حرم مطهر رضوی و بیمارستان امام رضا(ع) حضور داشتند، تهیه و آرشیو کردم. او با آب و تاب فراوان از آن روزها و شب‌های پر التهاب شهر مشهد سخن می گوید.

گویی با هر قطعه عکس، تاریخ دوباره برایش زنده می‌شود. عربلین با گشودن آلبوم دیگری از کارهای هنری‌اش، به موضوع عکاسی زیارت و به قول خودش، عکاسی حرم و بارگاه می‌پردازد. گنبد و گلدسته، ایوان و شبستان، صحن و رواق از منظر چشم عکاس قدیمی این شهر دور نمانده است. در این میان، عکس‌های خانوادگی در کنار پرده بارگاه نورانی ثامن الحجج(ع) عکاسخانه‌های قدیمی، حال و هوای نوستالژیک دیگری دارند.

سرپنجه هنرمندانه برای تولید یک خاطره

او در ادامه با تشریح تمایز هنر قدیم و جدید عکاسی تأکید می کند: هنر قدیم، هنر دست بود. عکاسان گذشته، تمام کارهایی همچون روتوش، چاپ و رنگ کردن عکس را با سختی و سرپنجه هنرمندانه خود به سرانجام می‌رساندند. دیگر عکس و عکاسی ارزش و منزلت گذشته را ندارد، دورانی بود که در آن مردم برای گرفتن یک عکس در شب عید، مدت‌ها در نوبت منتظر می‌ماندند اما حالا گوشی‌های همراه و سلفی‌های شتابزده، جایگزین ثبت خاطرات سنتی شده‌اند. استاد عربلین در پایان گفتگویمان، عشق بی‌پایانش را به هنر در قالب این ابیات بیان می کند:

به یاد من ای عکس بمان که مرا / به جز تو از همه هستی نشان نخواهد ماند
ای عکس نشان روی ماهم بودی / بر تازه جوانی‌ام گواهی بودی
من پیر شدم ولی جوانی تو هنوز / افسوس رفیق نیمه راهم بودی

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

علی مسعودی کمدین، در پستی اینستاگرامی به بیان یک معمای خانوادگی درباره یک عکس پرداخت و نوشت: «قدیما این قدر خانواده‌ها بچه زیاد داشتن و همسایه‌ها با هم رفت و آمد داشتن که از خواهر و برادر به هم نزدیک‌تر بودن. ننه خدابیامرز، سیزده تا بچه داشت که البته شش تا مون بیشتر باقی نموندیم، این عکس سال‌هاست باعث درگیری و بحث در خانواده ما شده، سمت راستی خواهر مه که یه سال و نیم از م بزرگ تره اما نفر سمت چپی ننه می گفت خواهر کوچیکه‌ست، بابام خدابیامرز می گفت داداش کوچیکه محمد مهدی است. خواهر بزرگ‌مون خدابیامرز می گفت نه این علی‌یه. یادمه یکی از فامیلا می گفت این بچه همسایتون بود. خلاصه چهل ساله نفهمیدم سمت چپی منم یا خواهر کوچیکمه یا خدابیامرز محمد مهدی مونه یا بچه همسایمون؟

مردی که اهل کره جنوبی است و به تازگی مسلمان شده، به شوق زیارت آقا علی بن موسی الرضا(ع) از شاهچراغ پیاده به سوی مشهد عازم است. او به تازگی از شهر بشرویه عبور کرده است.

خداداد عزیزی عکسی را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد از دوران بازی در تیم کلن آلمان که مربوط به سال ۷۶ است.

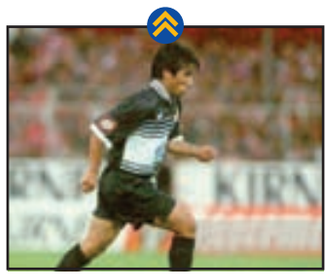

یادداشت

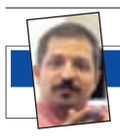

امیر شهلا

دبیر گروه صنایع محور غرب مشهد

حالا محور غرب لطفا

خبر جمع آوری امضا برای طرح سوال و استیضاح وزیر به دلیل اهمال در به انجام رساندن و تعیین تکلیف «پروژه پدیده شاندیز» را که خواندم، عزم نمایندگان استان را برای خاتمه دادن به سال ها رنج و تَعَب مالباختگان این پروژه تحسین کردم. چند روز قبل هم که شنیدم با همّت شما عالیجنابان، پایانکار تجاری و اداری «پروژه پدیده شاندیز» به انجام و اتمام رسیده است، خدا را شکر گفتم که نمایندگان محترم، با شناخت دقیق از فشار روحی- روانی که بر شمار بسیاری از ساکنان استان وارد شده، به رغم همه پیچیدگی هایی که فرایند صدور پایانکار برای چنین پروژه بزرگ و پر مسئله دارد، یک بار برای همیشه عزمشان را جزم کردند تا خدمتی ماندگار و یادگار برای سهامداران به جا گذارند.

اما حضرات نمایندگان معزز! بیخ گوش پدیده شاندیز، پرونده قفل و بست خورده دیگری هم هست که نه دو سال و سه سال و چهار سال، بلکه سی سال، روح و روان جمعی از ساکنان این شهر را درگیر خود کرده است. قصّه پُرغُصه «صنایع محور غرب مشهد» را کسی نیست که نداند، اما کسی هم نیست که آستین بالا بزند و مثل داستان «پدیده شاندیز»، کمر به حل و فصلش ببندد. کافی است کلید واژه «محور غرب مشهد» را جست‌وجو کنید تا اگر پرسشی هست، برطرف شود. اما می دانید چرا از این معضل لاینحل، رمزیابی و مشکل گشایی نمی شود؟ چون محور غربی ها، هنوز که هنوز است، به رغم اجحافی که در حقشان شده است، معتقدند راه حل محور غرب از رهگذر مذاکره و تعامل با طرفین دعوی به دست می آید و لاغیر.

بزرگواران! صنعتگران محور غرب مشهد، سی سال پیش، با جانمایی اداره صنعت، آمده اند و در این اراضی مستقر شده اند.

آن موقع، محور غرب، در محدوده شهر نبود و تولید کنندگان، به ناچار با هزینه خود، همه امکانات، از قبیل آب و برق و گاز و تلفن را به کارخانه ها رساندند. سال ها ایستادند و کار کردند. سختی های دوره جنگ و مکافات سال های تحریم، همه و همه را به عشقِ «خدمت بی منت» پشت سر گذاشتند اما چند سال بعد، وقتی سیاست های نادرست و ناکارآمد، به گسترش طولی شهر انجامید، این واحدها، ناخواسته توسط شهر بلعیده شدند و مشکل از همان روز آغاز شد.

در دسرتان نمی دهم. امروز شهرداری برای صدور پایانکار واحدهای صنعتی که پیش از شهرداری در آن محل مستقر بوده اند، ۳۵ درصد زمین واحدهای صنعتی را از باب عوارض ورود به محدوده و سهم شوارع و عوارض پذیره، طلب کرده است.

این در حالی است که همه قوانین موضوعه تصریح دارند؛ این عوارض، به مِلکی تعلق می گیرد که درخواست ورود به محدوده یا تقاضای اِفراز و تفکیک داشته باشند، نه املاکی که بی محابا توسط شهر به محاصره درآمده اند. این رشته سرِ دراز دارد و سفره دلِ اصحاب صنعت استان را، برای همه آن ها که دستشان می رسد، فرستاده ایم تا بلکه پس از سی سال دربدری و بی خانمانی، مردی پیدا شود و به این بی عدالتیِ آشکار پایان دهد.

به هر تقدیر، ارزش اهمیت دادن به «محور غرب مشهد» که با دو هزار و ۸۰۰ واحد صنعتی ریز و درشت که ۵۰ هزار فرصت شغلی پایدار ایجاد کرده است و به تنهایی، ۶۰ درصد تولید صنعتی استان را محقق می کند، کمتر از توجه به «پروژه پدیده شاندیز» نیست.

حالا که می شود وزیر کشور را برای پدیده به مجلس دعوت کرد، چرا نمایندگان خراسانی، وزیر کشور را برای ادای توضیح درباره خراجِ ۳۵ درصدی مطالبه شده از سوی شهرداری مشهد فرانخوانند و ایشان را به غیرقانونی بودن چنین اعداد و ارقامی متوجه نسازند؟

آقایان محترم نماینده! اگر صنعت استان در محور غرب راه بیفتد، همه استان راه خواهد افتاد. لطفا کمک کنید.